

رویکرد خلاقیت با آموزش تکنیک‌های هنری

قرار دارد، با قدرت تخیل و تصویر بر صفحه نمایان می‌شود. اینجا سخن از گزینه هنری است که آرام‌آرام باید شکوفا شود و آن بُعد خلاقانه را ظاهر کند.

برخی از صاحب‌نظران تربیتی نیز به برتری گزینه بر هوش اذعان دارند و معتقدند که هوش در سلسله‌مراتب فضایل، مرتبه دوم را کسب می‌کند و این گزینه است که باید مقام اول را داشته باشد.

در کنار این نگاه که به استعداد ذاتی و غریزی در ضمیر بچه‌ها توجه دارد، نگاهی دیگر وجود دارد که ضمن توجه کردن به این سرمایه اولیه معتقد است که نمی‌توان فقط به این احساس غریزی و همان مایه و استعداد اولیه هنری دل خوش کرد بلکه باید آن را پرورش داد. اینان بر این باورند که بخش بزرگ هنر آموختنی است. لذا هنرمند باید سرگذشت‌نامه‌ها و شناخت‌نامه بزرگان رشته‌های هنری را مطالعه کند و با دست و پنجه نرم کردن آن‌ها با گره‌های کور و نحوه گشودن این گره‌ها آشنا شود. در واقع، باید تکنیک‌ها و فنون هنری را بیاموزد و یا خود را در آزمون‌ها و اجراهای نفس‌گیر با پیش‌گامان و پیشاهنگانی که این راه‌ها را با موفقیت پیموده‌اند، هم‌نفس و همدل کند. بی‌دلیل

به‌طور اتفاقی متوجه شدم که یکی از مدیران خوش‌ذوق، در برنامه هفتگی کلاس، اولین ساعت هفته را به درس هنر اختصاص داده است. دانش‌آموزان می‌گفتند تشکیل درس هنر در صبح هر شنبه، آرامش خوبی به آن‌ها می‌دهد و با شیب ملایمی، آمادگی لازم را برای درک بهتر سایر درس‌ها پیدا می‌کنند. می‌خواستم از این مدیر عزیز و همکاران خوب وی که در برنامه‌ریزی آموزشی، این‌گونه درس هنر را در صدر نشانده‌اند، تقدیر و تشکر کنم. این حرکت گامی ارزشمند در شخصیت‌بخشی به درس هنر و زمینه‌ای برای ایجاد «هم‌گرایی درسی» است.

هم‌گرایی درسی گامی است که برای نزدیک شدن و حتی تلفیق درس‌ها برداشته می‌شود. با برنامه‌ریزی مدیران محترم می‌توانیم تأثیر لطافت، ظرافت و زیبایی‌های درس هنر را به سایر درس‌ها تسری دهیم.

اما بعد از این مقدمه می‌خواهم وارد بحث اهمیت تکنیک‌های هنری شوم.

رویکرد خلاقیت‌محور به هنر رویکردی ارزشمند است. دانش‌آموزان در محیطی آزاد به تجربه‌های هنری می‌پردازند و آنچه در ذهن و ضمیر آن‌ها

نیست که در سنت گذشته هنری ما، نسخه‌برداری از آثار کلاسیک، مشق نامه‌نویسی‌های بی‌امان یا نسخه‌برداری از آثار نگارگری و تذهیب امری لازم برای استحکام بنیه هنری به‌شمار می‌رفته است.

آیدین آغداشلو گفته است که نسخه‌برداری‌های مکرری از نگارگری صفوی برای آشنا شدن با چم و خم نهانی و کشف شیوه کار استادان آن زمان انجام داده است یا یکی از شاعران بزرگ معاصر می‌گوید: «اگر ما در **حافظ** تکنیکش را بگیریم، از آن چیزی باقی نمی‌ماند. این تسلط حافظ به دانه‌دانه کلمات است که او را حافظ کرده است.» در یکی از مصاحبه‌های «رشد هنر» بود که استاد **صادق تبریزی** به کپی هنر جو از آثار اصیل به‌عنوان یک روش مؤثر آموزشی که حاصل پنجاه سال تجربه است اشاره کردند.

برای این موضوع مصداق‌های زیادی می‌توان ارائه کرد، اما اصل داستان یک حقیقت واحد را بیان می‌کند: «خلاقیت و استعداد ذاتی نیازمند همراه شدن و تلفیق با تکنیک‌ها و فنون هنری و تجربه مکرر آن‌هاست.»

معلم‌ان عزیز هنر در مرحله‌ای از آموزش نیازمند باور کردن حس خلاقانه بچه‌ها هستند اما این مرحله ایستگاهی موقت است که باید به تداوم و به

شکوفایی استعدادها کمک کند. برخی نیز نگران از تکرار و شبیه شدن همه آثار به یکدیگرند، در حالی که ظرفیت هنری هر فرد، چنانچه به خوبی با دو بال خلاقیت و تکنیک به پرواز درآید، آثاری متفاوت نیز به دنبال خواهد داشت.

اگر هنرمند بر تکنیک مسلط باشد، می‌تواند هر ایده خلاقانه‌ای را از دنیای خیال در قالب هنر بیان کند و هر کاری را که بخواهد با آن انجام دهد. توانایی تکنیکی است که می‌تواند از قطعات مستعمل و یا تکه‌هایی از فلزات سخت یا سنگ خارا، مجسمه‌هایی را شکل بندی کند و اثر هنری نفیسی فراهم آورد.

زنده‌یاد استاد **بیوک احمري** (۱۳۸۷-۱۲۹۹) زمانی قطعه‌ای هنری را که به آن آسیب جدی وارد شده بود، چنان با فنون و مواد مختلف بازسازی کرد که صاحب‌نظران متوجه مرمت این اثر هنری نشدند.

بنابراین، در فرایند آموزش هنر پرورش خلاقیت نقطه عزیمتی است که در اولین فرصت می‌تواند با آموزش تکنیک‌ها و فنون و آنچه صنعت هنری می‌نامیم، همراه شود.

سردبیر